هو الله - ای کنيز الهی نامهٔ شما رسيد مضامين دلالت…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ١٤٨

### هو الله

ای کنيز الهی نامهٔ شما رسيد مضامين دلالت بر ثبوت بر ميثاق داشت لهذا اميد چنان است که در جميع موارد موفّق گردی زيرا اليوم اهمّ‌ امور ثبوت و رسوخ بر عهد و ميثاق است زيرا وحدت بهائی به هيچ چيز محافظه نگردد مگر به ميثاق اگر چنانچه وحدت بهائی به چيز ديگر محافظه ميشد البتّه جمال مبارک به آن امر ميفرمود. در کتاب اقدس که مرجع کلّ است و کتاب عهد که لوح اخير جمال مبارک است و اثر قلم اعلی است جميع را خطاب واضح صريح ميفرمايند اوّل اغصان بعد افنان را بعد منتسبين را بعد سائر احبّا را که به مرکز عهد توجّه داشته باشند آياتی در کتاب اقدس نازل شده است که بعد از صعود توجّه به فرع منشعب از اصل قديم کنيد.

در کتاب عهد صريح ميفرمايد که مقصود مرکز عهد است و به صريح عبارت در لوح مخصوص که پيش کلّ مسلّم است ميفرمايد مرکز نقض فلان شخص، اسم صريحش را ميفرمايد، اگر ادنی انحرافی از ظلّ امر بجويد از غصنيّت ساقط است، ديگر چه صراحتی اعظم از اين ميشود؟ حال يا بايد گفت جمال مبارک مخطی بود و سبب ضلالت ناس بود زيرا کلّ را دلالت بر اطاعت نفسی فرمود که جائز نه، يا آن که بايد گفت ادنی انحراف‌ از عهد و ميثاق سبب محروميّت از الطاف نيّر آفاق است، از اين دو شقّ يک شقّ صحيح است ثالث ندارد. باری وحدت بهائی را جز به ميثاق‌ الهی محافظه ممکن نه ‌امروز قوّهٔ محرّکه در جسم آفاق ميثاق است، اگر ميثاق مهمل شود به چه قوّتی حرکت نمايد؟ عبارتی که روايةً حضرت مسيح درحقّ پطرس فرمود انت الصّخرة و علی هذه الصّخرة‌ ابنی کنيستی اين کلمه هزار سال وحدت مسيحی را محافظه کرد بعد از هزار سال به اسباب سياسی اختلاف حاصل شد. حال اين کلمه از مسيح هزار سال وحدت مسيحی را محافظه کرد ديگر معلوم است کتاب عهد که‌ اثر قلم اعلی است چه خواهد نمود. ولی نوهوسانی چند که ‌اوّل ثابت بر ميثاق بودند و درخصوص ثبوت و برائت‌ از ناقضين رسائلی نوشتند ناقضين را مردود درگاه کبريا شمردند و آن رسائل موجود است حال به جهت غرض نفسانی از ميثاق منحرف شدند و متابعت اهل نفاق نمودند نظير يهودای اسخر يوطی اين به طمع چند درهم درخون مسيح داخل شد فاعتبروا يا اولی الالباب.

و اگر چنانچه تو ثابت و راسخ بر عهدی با کنونشن روابط محکم متين داشته باش و از هر نفسی که رائحهٔ انحراف استشمام نمودی بيزارشو و کناره کن تا در صون حمايت ميثاق محفوظ و مصون مانی و مانند شمع به نور استقامت بر افروزی من به جميع خلق مهربانم و به هيچ نفسی اعتراض ننمايم در حقّ کلّ دعا نمايم تا نظر عنايت الهی شامل کلّ گردد اين عهد و ميثاق را جمال مبارک گرفته‌اند من نگرفته‌ام جواب او را بدهند من ‌اعتراضی ندارم بر من است که به کلّ نفوس مهربان باشم ‌انتقام راجع به جمال مبارک است به من نيست من به کلّ مهربانم و اگر کلمه ای مرقوم شود مقصد بيان حقيقت است و محافظهٔ دين الله تا وحدت بهائی محفوظ ماند اگر نفوسی بخواهند و حدت بهائی را بهم بزنند خود ميدانند. اگر جمال مبارک در ملکوت ابهی بفرمايد ای احبّا من به اثر قلم اعلی و صريح کتاب اقدس آيا شما را به اطاعت امر کردم يا به مخالفت آيا نفس مرکز نقض را امر ننمودم که اطاعت کند و توجّه کند چطور شما مرکز منصوص صريح مرا مخذول کرديد من امر کردم توجّه به‌ او نمائيد چگونه روگردانيديد و وحدت بهائی را بهم زديد، چه جواب خواهند گفت؟ احبّا در امور دقّت بايد نمايند ديگر هر قسم مناسب بدانند مجری دارند من تکليفی ندارم. در امريکا هر صدائی بلند شود لابدّ چند روزی چند نفسی پر هوس بيهوش حول او جمع شوند حتّی در گرين عکّا ملاحظه شد که شخصی از اهل مالطه نفوس را به شدّت گرسنگی دعوت مينمود و اجرت ميگرفت با وجود اين چند نفر حول او جمع شده بودند و از گرسنگی مثل مرده بودند و به آن شخص اجرت ميدادند . …

